

A Critical Examination of John Martin Fischer's Solution to the Problem of Luck¹

Mohammad Amin Khodamoradi² 

Keramat Varzdar³ 

2. MA student, Department of Philosophy of Religion, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author).

Email: amin.khodamoradi@ut.ac.ir

3. PhD Graduated in Islamic philosophy and theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.


Email: keramat.varzdar@ut.ac.ir



Abstract

The primary focus of this research is to analyze and critique John Martin Fischer's proposed solution to the problem of luck. Using a descriptive-analytic method, the study aims to highlight its shortcomings. The problem of luck arises from the belief that the absence of determinism in the formation of actions undermines the agent's freedom and moral responsibility. Fischer addresses this issue by reimagining one of Frankfurt's examples in an indeterminate world, presenting two scenarios: one where the world is determined (world 1) and another where it is indeterminate due to a random machine (world 2). According to Frankfurt's examples, the agent in the first possible world bears responsibility. However, in world 2, if the machine happens to be randomly inactive,

1. **Cite this article:** Khodamoradi, Mohammad Amin; Varzdar, Keramat. (2023). A Critical Examination of John Martin Fischer's Solution to the Problem of Luck. *Naqd va Nazar*, 28(112), pp. 86-113. <https://doi.org/10.22081/JPT.2024.67497.2069>

 **publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran) ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 05/10/2023  **Revised:** 15/12/2023  **Accepted:** 14/01/2024  **Published online:** 18/03/2024

© The Authors



both worlds become identical, and the agent is deemed responsible. This research demonstrates that (a) Fischer's framing of the problem of luck aligns with the formulation based on the absence of causation, but his response falls short in addressing this formulation effectively, (b) the causation governing Fischer's world 2 differs from the indeterministic causation proposed by libertarians advocating for event-based causation. According to them, actively incorporating indeterministic causation into the causal chain of an action is crucial in addressing the problem of luck. However, in Fischer's world 2, there is no active indeterministic causation involved in the causal chain of action. Therefore, Fischer fails to confront the problem of luck posed to event-based causation, let alone resolving it.

Keywords

Free will, problem of luck, John Martin Fischer, random machine.



بررسی انتقادی راهکار جان مارتین فیشر در حل معضل بخت^۱

id ^۲ محمدامین خدامرادی id ^۳ کرامت ورزدار

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فلسفه‌ی دین، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
 (نویسنده مسئول).

Email: Amin.Khodamoradi@ut.ac.ir

۳. دانش‌آموخته فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Keramat.varzdar@ut.ac.ir



چکیده

مسئله اساسی این پژوهش تحلیل و نقد راهکار جان مارتین فیشر در حل معضل بخت و هدف از آن نشان دادن ناکارآمدی این راهکار به روش توصیفی - تحلیلی است. بر اساس معضل بخت، نفی تعین گروهی در پیدایش یک کنش به سلب آزادی و مسئولیت اخلاقی کنشگر می‌انجامد. فیشر تلاش می‌کند بر اساس بازسازی یکی از مثال‌های فرانکفورتی در جهانی نامتعیین، معضل بخت را بر پایه ترسیم دو جهان حل کند. جهان ۱ متعین، اما جهان ۲ بر اساس ماشین تصادفی نامتعیین است. کنشگر در جهان ممکن اول بر اساس مثال‌های فرانکفورتی مسئول است. در جهان دوم با خاموش ماندن ماشین به نحو تصادفی، جهان ۱ و ۲ این همان و در نتیجه کنشگر مسئول خواهد بود. در این پژوهش آشکار می‌شود: الف) تقریر فیشر از معضل بخت، نسخه‌ای از صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت است و پاسخ فیشر حتی کارآمدی لازم برای حل این صورت‌بندی را ندارد. ب) علیت حاکم بر جهان ۲ فیشر، متفاوت با علیت ناتعین‌گروانه‌ای است که اختیارگروان حامی علیت مبتنی بر رویداد مد نظر دارند. از نظر آنها،



نظـر

سال بیست و هشتم، شماره چهارم (پیاپی ۱۱۲)، زمستان ۱۴۰۲

۱. **استناد به این مقاله:** خدامرادی، محمدامین؛ ورزدار، کرامت. (۱۴۰۲). بررسی انتقادی راهکار جان مارتین فیشر در حل معضل بخت. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، ۲۸(۱۱۲)، صص ۸۶-۱۱۳.

<https://doi.org/10.22081/JPT.2024.67497.2069>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان
 □ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸



قرار گرفتن علیت نابعین گروانه فعال در سلسله علی یک کنش، شرط اساسی پرداختن به معضل بخت است؛ اما در سلسله علی کنش در جهان دوم فیشر، هیچ گونه علیت نابعین گروانه فعالی وجود ندارد. در نتیجه فیشر اساساً با معضل بختی که اختیار گروی علیت مبتنی بر رویداد را تهدید می کند، مواجه نشده است که بخواهد آن را حل کند.

کلیدواژه‌ها

اراده آزاد، معضل بخت، جان مارتین فیشر، ماشین تصادفی.



مسئله سازگاری یا ناسازگاری اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی با تعین گروهی^۱ یکی از مسائل بنیادین فلسفی است و خصوصاً در فلسفه معاصر، مناقشات فراوانی را پدید آورده است. سازگارگروان معتقدند که تعین گروهی با اراده آزاد سازگار است و در تعارض با مسئولیت اخلاقی کنش گران انسانی نیست. از سوی مقابل، ناسازگارگروان معتقدند که تعین گروهی حاکم بر یک جهان، به منزله فقدان کنترل لازم برای آزادی کنش گران انسانی است و در چنین جهانی نمی توان کنش گران را آزاد و اخلاقاً مسئول دانست (McKenna & Pereboom, 2016, p. 30). اختیارگروهی^۲، تعین گروهی سخت^۳ و ناسازگارگروهی سخت^۴ سه دسته از نظریات ناسازگارگروانه را تشکیل می دهند.

اختیارگروهی مرکب از دو فرضیه است: الف) اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی با تعین گروهی ناسازگارند و ناتعین گروهی^۵ شرط لازم برای اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی است. ب) این شرط (ناتعین گروهی) در جهان ما محقق است؛ در نتیجه ما کنشگران انسانی دست کم در انجام برخی کنش ها، دارای اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی هستیم (Haji, 2008, p. 19).

یکی از مهم ترین اشکالاتی که پیش روی نظریات اختیارگروانه قرار دارد، معضل بخت^۶ است. طبق این معضل، ناتعین گروهی - برخلاف عقیده اختیارگروان - نه تنها آزادی و مسئولیت کنشگر را افزایش نمی دهد؛ بلکه به شدت از آن می کاهد. حامیان معضل بخت معتقدند که - در جهان آرمانی اختیارگروان - کنش های نامتعین به نحو تصادفی ایجاد می شوند و در نتیجه افسار کنش در دست کنشگر نیست؛ بلکه در دست

-
1. Determinism
 2. Libertarianism
 3. Hard Determinism
 4. Hard Incompatibilism
 5. Indeterminism
 6. The Problem of Luck



شانس و بخت است. بخت آلود بودن کنش‌های نامتعیین آزادی و مسئولیت اخلاقی را از کنشگران آنها سلب می‌کند (Strawson, 1994; Ekstrom, 2000, p. 105; Haji, 2022).

جان مارتین فیشر^۱ فیلسوف آمریکایی و استاد فلسفه دانشگاه کالیفرنیا، از افرادی است که در حل معضل بخت تلاش کرده است (Fischer, 2010; Fischer, 2013a). فیشر در بحث از اراده آزاد، از رویکردی به نام نیمه‌سازگار گروهی^۲ دفاع می‌کند که با اختیارگروهی تفاوت چشمگیری دارد. نیمه‌سازگارگروان معتقدند که نباید سرنوشت اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی را به تعیین گروهی یا ناتعیین گروهی حاکم بر جهان گره زد (Fischer, 2012). مطابق با نیمه‌سازگارگروهی، اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی، هم با تعیین گروهی و هم با ناتعیین گروهی، سازگار است (Fischer & Ravizza, 1998, pp. 253-254).^۳ بنابراین نیمه‌سازگارگروان دو وظیفه مهم بر عهده دارند: دفاع از سازگاری اراده آزاد و تعیین گروهی، و نیز دفاع از سازگاری اراده آزاد و ناتعیین گروهی. به این منظور، نیمه‌سازگارگروان باید به دو اشکال پاسخ دهند: استدلال پیامد^۴ و معضل بخت.

استدلال پیامد مهم‌ترین انتقادی است که متوجه نظریات سازگارگروانه است. مدعای استدلال پیامد، ناسازگاری اراده آزاد و تعیین گروهی است (Van Inwagen, 1983, ch. 3). فیشر در آثار پرشماری به این استدلال پرداخته است (Fischer, 2006, pp. 6-7; Fischer, 2010; Fischer, 2013c). وی با نفی لزوم اصل امکان‌های بدیل^۵ معتقد است حتی اگر این استدلال صحیح باشد، ارتباطی به ناسازگاری اراده آزاد و تعیین گروهی ندارد (Fischer, 2010; Fischer 2013b). فیشر افزون بر استدلال پیامد، به معضل بخت نیز می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با بهره‌مندی از مبانی فرانکفورتی نیمه‌سازگارگروهی، نشان دهد که تعارضی میان اراده آزاد و ناتعیین گروهی وجود ندارد.

1. John Martin Fischer

2. Semi-Compatibilism

۳. از این رو برخی صاحب‌نظران از این رویکرد به فراسازگارگروهی (SuperCompatibilism) یاد کرده‌اند (Watson, 1999; Vargas, 2013, p. 13).

4. Consequence Argument

5. The Principle of Alternative Possibilities





تاکنون سه پژوهش به زبان فارسی، در باب نظریات فیشر دربارهٔ ارادهٔ آزاد صورت گرفته است. در هر سه پژوهش، به دیدگاه فیشر در باب استدلال پیامد پرداخته شده است. «دیدگاه جان مارتین فیشر دربارهٔ اختیار لازم در مسئولیت اخلاقی» (خزاعی و تمدن، ۱۳۹۳) عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان آن، دیدگاه فیشر در باب عدم تلازم ارادهٔ آزاد با وجود امکان‌های بدیل را بررسی کرده و در نهایت حکم به عدم کفایت این دیدگاه در توجیه مسئولیت اخلاقی داده‌اند. همین رویکرد در «تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه جان مارتین فیشر» (حبیبی و جوادی، ۱۳۹۴) تکرار شده است؛ با این تفاوت که به نظر می‌رسد نویسندگان با دیدگاه فیشر موافق‌اند. «بررسی دیدگاه جان فیشر در باب نسبت علم پیشین الهی و مسئولیت اخلاقی انسان» (کوهی و دانش، ۱۳۹۹) عنوان پژوهش سوم است که صبغهٔ الهیاتی دارد و نویسندگان آن به بررسی دیدگاه فیشر در باب سازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان پرداخته‌اند و موضع وی را زیر سؤال برده‌اند (کوهی و دانش، ۱۳۹۹). تمرکز هر سه پژوهش بیان‌شده، معطوف به نقد فیشر به «اصل امکان‌های بدیل» در پرتوی مثال‌های نقض فرانکفورتی^۱ است و هیچ‌یک از این سه پژوهش، به بررسی پاسخ فیشر به معضل بخت پرداخته‌اند.

بررسی قوت نظریهٔ فیشر در باب عدم لزوم امکان‌های بدیل برای ارادهٔ آزاد، و داوری در باب وارد بودن اشکالات پژوهش‌های بیان‌شده به نظر وی، از حیطهٔ این پژوهش خارج است؛ بلکه این پژوهش به روشی توصیفی - تحلیلی تنها در صدد تحلیل و نقد پاسخ فیشر به معضل بخت است. همچنین این پژوهش در نقدهای خود، از نقد مبانی فرانکفورتی فیشر پرهیز می‌کند. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا راهکار فیشر در حل معضل بخت قابل دفاع است یا خیر؟

بر اساس فرضیهٔ پژوهش حاضر، راهکار فیشر در حل معضل، ناکارآمد است. برای اثبات این فرضیه، این پژوهش در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول به تقریر معضل بخت اختصاص پیدا می‌کند. در بخش دوم به تقریر فیشر از معضل بخت خواهیم

1. Frankfurt – Style Counterexamples

پرداخت و عدم کفایت پاسخ وی به تقریر بیان شده را نشان خواهیم داد. در بخش سوم به تشریح نقش ماشین تصادفی فیشر و اشتباه وی در تشخیص ناتعین گروی مورد نیاز برای اختیارگروی خواهیم پرداخت.

۱. ناتعین گروی و بخت

۱-۱. معضل بخت

معضل بخت مهم ترین اشکالی است که اختیارگروی را تهدید می کند. هسته مشترک نظریات اختیارگروانه در باب اراده آزاد این است که ناتعین گروی، شرط لازم برای کنش آزاد است؛ اما حامیان معضل بخت معتقدند که ناتعین گروی، شرط کافی برای کنش غیر آزاد است (Franklin, 2018, p. 123). بر اساس معضل بخت، نامتعین بودن یک کنش به نام A سبب می شود که کنشگر P در انجام A آزاد نباشد و در نتیجه در قبال آن کنش، مسئولیت اخلاقی نیز نداشته باشد. برای فهم بهتر معضل بخت می توان از مثال زیر بهره جست که الهام گرفته از مثال معروف رابرت کین^۱ است: (Kane, 1996, p. 126)

امیر قصد دارد امروز ساعت ۴ عصر همراه جمعی از دوستان، برای تماشای فیلم سینمایی مورد علاقه اش به سینما برود. وی از هفته گذشته برنامه خود را تنظیم کرده و بلیت های سینما را نیز از طریق اینترنت، خریداری کرده است. ساعت ۴ عصر فرا می رسد و به محض اینکه امیر می خواهد از خانه خارج شود، تلفن همراه وی زنگ خورده و خبردار می شود که یکی از همکلاسی هایش برای امتحان فردا نیازمند کمک در فهم مطالب درسی است و در صورتی که کسی به وی کمک نکند، در امتحان نمره بسیار بدی کسب می کند. همکلاسی از امیر درخواست می کند که چند ساعت از وقتش را به وی اختصاص دهد؛

1. Robert Kane





به نحوی که امیر باید از میان به سینما رفتن و کمک به همکلاسی اش یکی را انتخاب کند. ج ۱، جهان ممکن است که در آن امیر در لحظه ز ۱، آزادانه تصمیم می گیرد که از رفتن به سینما صرف نظر کرده و به همکلاسی اش کمک کند. طبق اختیارگروی، تصمیم مذکور نامتعیین است و این بدین معناست که جهان ممکن دیگری به نام ج ۲ وجود دارد که تا لحظه ز ۱ با ج ۱ این همان است، اما در ج ۲ امیر تصمیم می گیرد که به سینما رفته و از درخواست کمک دوستش چشم پوشی می کند. پرسش اینجاست که تفاوت ج ۱ و ج ۲ ناشی از چیست؟ از آنجایی که تمامی حالات ذهنی امیر تا قبل از تصمیم گیری در هر دو جهان اینهمانند، توسل به این حالات نمی تواند تفاوت مذکور را تبیین کند. در نتیجه تفاوت ج ۱ و ج ۲ تنها از سنخ بخت است.

بنا بر نظر حامیان این معضل، اگر تصمیم امیر تنها از روی بخت و تصادف گرفته شده باشد، آنگاه امیر در گرفتن این تصمیم، خواه تصمیم به کمک کردن و خواه تصمیم به رفتن به سینما، آزاد نبوده است. این بدین معناست که نه در ج ۱ می توان امیر را بابت کمک به دوستش ستایش کرد و نه در ج ۲ می توان وی را بابت رفتن به سینما و بی اعتنایی به درخواست کمک سرزنش کرد؛ زیرا وی در ازای یک تصمیم تصادفی، فاقد مسئولیت اخلاقی است.

اختیارگروان با هدف فراهم کردن آزادی لازم برای مسئولیت اخلاقی کنش گر، تعین گروی را طرد می کنند؛ اما آنچه به دست می آورند چیزی جز بخت و تصادف نیست؛ بخت و تصادفی که به هیچ وجه نمی تواند به منزله آزادی اصیل و مسئولیت اخلاقی کنشگر باشد (Pink, 2004, p. 81). از نظر آنها، آزادی کنشگر در یک جهان متعین یا هیچ است یا به قدری اندک است که نمی توان کنشگر را مسئول اخلاقی کنش هایش دانست (Kane, 2009, pp. 35-44). اما بر اساس معضل بخت، نامتعیین بودن یک جهان نه تنها کمکی به افزایش آزادی کنشگر نمی کند؛ بلکه در عوض، از همان مقدار آزادی - فرضاً موجود در جهان متعین - نیز می کاهد و کنترل کنشگر بر کنش هایش را

کاهش می‌دهد؛ به نحوی که دیگر نمی‌توان کنشگر را مسئول اخلاقی کنش‌هایش دانست (Clark, 2003, pp. 77-79; Widerker & Schnall, 2015).

۱-۲. صورت‌بندی‌های معضل بخت

از معضل بخت می‌توان صورت‌بندی‌های متفاوتی ارائه داد. کریستوفر فرانکلین^۱ به معرفی چهار صورت‌بندی از معضل بخت پرداخته و تمایز آنها را از یکدیگر نشان داده است (Franklin, 2018, pp. 119-153). این چهار صورت‌بندی عبارت‌اند از: صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت^۲، صورت‌بندی مبتنی بر اطمینان^۳، صورت‌بندی مبتنی بر عقب‌گرد^۴ (بازگشت) و صورت‌بندی تبیینی^۵. حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت معتقدند که علیت مستلزم ضرورت است و نفی ضرورت به نفی علیت می‌انجامد؛ بنابراین کنش نامتعین کنشی بی‌علت است و نمی‌توان کسی را مسئول وقوع آن دانست. در صورت‌بندی مبتنی بر اطمینان، از اطمینان‌ناپذیری وقوع کنش نامتعین برای غیرآزادانه‌بودن وقوع این کنش استدلال می‌شود. در صورت‌بندی مبتنی بر عقب‌گرد، از عدم توانایی کنشگر در به ۱ (صد درصد) رساندن احتمال کنشش به عدم کنترل وی بر کنش بیان شده پل زده می‌شود. حامیان صورت‌بندی تبیینی نیز معتقدند که در دسترس نبودن تبیین تقابلی^۶ برای کنش نامتعین، به منزله فقدان آزادی کنشگر در انجام آن کنش است.

فیشر پیش از پرداختن به حل معضل بخت، تقریر خاص خود از این معضل ارائه می‌کند. با وجود تصریح نکردن فیشر، شواهد نشان می‌دهد که تقریر وی از معضل بخت، نسخه‌ای از صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت است. در ادامه به تقریر فیشر از معضل بخت می‌پردازیم.

1. Christopher Evan Franklin
2. No Causation Formulation
3. Ensurance Formulation
4. Rollback Formulation
5. Explanatory Formulation
6. Contrastive Explanation





۲. معضل بخت در نگاه فیشر و راه حل آن

۲-۱. تقریر فیشر از معضل بخت

فیشر معتقد است که معضل بخت، بازتاب کننده این إشکال است که گویی کنش کنشگر در یک جهان متعین دارای وصفی است که در یک جهان نامتعین فاقد آن وصف است و فقدان آن وصف برای کنش بیان شده، دلیل کافی برای سلب آزادی و مسئولیت اخلاقی کنشگر در انجام آن کنش است (Fischer, 2010; Fischer, 2013a). با در نظر گرفتن ملاحظات فیشر می توان گفت که این وصف «انتساب به کنش گر» است. کنش های کنشگر در یک جهان متعین منتسب به او هستند؛ اما در یک جهان نامتعین - به سبب عدم تعین - منتسب به او نیستند. به عبارت دیگر، فیشر معتقد است برای اینکه کنشگر P را در انجام کنش A آزاد و اخلاقاً مسئول بدانیم، کنش A حتماً باید کنش خود کنشگر P باشد^۱ و آنچه سبب می شود که کنش A، کنش کنشگر P به شمار آید این است که پیوند میان کنش A و حالات ذهنی^۲ (باورها، امیال، احساسات و ...) کنشگر P حفظ شود (Fischer, 2013a). فیشر به منظور اشاره به پیوند دهنده میان کنش A و حالات ذهنی پیشین کنشگر P، از اصطلاح «چسب مورد نیاز»^۳ استفاده می کند. چسب مورد نیاز در یک جهان متعین، سبب برقراری پیوند میان کنش و حالات ذهنی کنشگر می شود و بدین طریق کنش بیان شده، وصف «انتساب به کنش گر» را کسب می کند - البته باید گفت فیشر چسب مورد نیاز را دلیل کافی برای کنش آزاد نمی داند (Fischer, 2010) - . فیشر اذعان می کند از سرشت این چسب، چیز دقیقی نمی داند؛ اما این چسب هر چه است، در یک جهان نامتعین غایب است و همین امر منشأ معضل بخت به شمار می آید (Fischer, 2010).

1. In order to have the requisite control, the choices and actions must flow from the agent in the right way-it must be genuinely the agent's action (Fischer, 2010).

2. Mental States

3. Requisite Glue

در اینجا تقریر فیشر از معضل بخت را بر مثال کمک به همکلاسی منطبق می‌سازیم. ج ۱ جهانی است که امیر در لحظه ز ۲ با توجه به داشتن میل «کمک به همکلاسی» و نیز باور به «ارضای میل در صورت تصمیم به کمک کردن به همکلاسی»، آزادانه تصمیم می‌گیرد که به دوستش کمک کند. بر اساس اختیارگروی، ج ۱ جهانی نامتعیین است. طبق تقریر فیشر از معضل بخت، چسب مورد نیاز که نقش پیونددهنده کنش^۱ «تصمیم به کمک کردن» به «حالات ذهنی پیشین امیر» را ایفا می‌کند، در ج ۱ غایب است. تصمیم بیان‌شده به امیر منتسب نیست و نمی‌توان گفت که تصمیم گرفته‌شده، تصمیم امیر است. واضح است که امیر در گرفتن تصمیمی که تصمیم خودش نیست، آزادی ندارد و مسئول اخلاقی آن به شمار نمی‌رود. با این توضیحات می‌توان تقریر فیشر از معضل بخت را این‌گونه صورت‌بندی کرد:

مقدمه اول (اگر کنش A نامتعیین باشد، آنگاه پیوند کنش A با حالات ذهنی پیشین کنشگر P قطع می‌شود (غیاب چسب مورد نیاز).

مقدمه دوم (اگر ارتباط کنش A با حالات ذهنی پیشین کنشگر P قطع شود، آنگاه کنش A دیگر کنش کنشگر P نیست (فقدان وصف انتساب به کنشگر).

مقدمه سوم (اگر کنش A کنش کنشگر P نباشد، آنگاه مسئولیت کنش A به عهده کنشگر P نیست.

نتیجه: اگر کنش A نامتعیین باشد، آنگاه مسئولیت آن کنش به عهده کنشگر P نیست.

۲-۲. تقریر فیشر و صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت

با توجه به تقریر فیشر از معضل بخت می‌توان دریافت که تقریر وی نسخه‌ای از صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت است. حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت از معضل بخت معتقدند که ضرورت علی - معلولی از لوازم انفکاک‌ناپذیر اصل علیت به شمار می‌آید. در این صورت، نامتعیین بودن یک کنش به منزله بی‌علت بودن

۱. تصمیم‌گیری یک کنش ذهنی (mental action) به شمار می‌آید.





کنش بیان شده است و نمی‌توان کسی را بابت کنشی که علت ندارد، مسئول دانست (Franklin, 2018, pp. 123-124).

اما چرا تقریر فیشر از معضل بخت را باید نسخه‌ای از تقریر مبتنی بر فقدان علیت دانست؟ فیشر معتقد است که حامیان معضل بخت مدعی از بین رفتن پیوند میان حالات ذهنی پیشین کنشگر و تصمیم وی هستند. تعیین گروهی سبب برقراری پیوند میان حالات ذهنی پیشین کنشگر و تصمیم کنشگر است و ناعین گروهی چنین پیوندی را نفی می‌کند. فیشر مدعی است که برقراری پیوند بیان شده در یک جهان متعین، به سبب سرچشمه گرفتن تصمیم کنشگر از حالات ذهنی پیشین است (Fischer, 2010; Fischer, 2013a)؛ بنابراین حامیان معضل بخت - طبق تقریر فیشر - نفی تعیین گروهی را به منزله نفی سرچشمه گرفتن تصمیم کنشگر از حالات ذهنی پیشین کنشگر می‌دانند (موضعی که فیشر تلاش می‌کند آن را رد کند). از همین جا مشخص می‌شود که تقریر یادشده از معضل بخت، ذیل صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت قرار می‌گیرد. نفی تعیین گروهی تنها در صورتی می‌تواند به نفی سرچشمه گرفتن تصمیم کنشگر از حالات ذهنی پیشین کنشگر بینجامد که علیت میان حالات ذهنی پیشین کنشگر و تصمیم وی را نفی کنیم. اگر کسی قائل به علیت ناعین گروانه^۱ باشد، سرچشمه گرفتن تصمیم کنشگر از حالات ذهنی پیشین را نفی نمی‌کند؛ زیرا حالات ذهنی پیشین کنشگر را علت تصمیم کنشگر می‌داند؛ اگرچه این علیت به نحو ناعین گروانه باشد. به عبارت دیگر، چسب مورد نیاز فیشر همان علیت حالات ذهنی پیشین کنشگر نسبت به تصمیم کنشگر است. حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت بر این باورند که علیت منحصر در علیت تعیین گروانه^۲ است و در نتیجه نامتعین بودن تصمیم کنشگر معنایی جز بی‌علت بودن این تصمیم ندارد.^۳

1. Indeterministic Causation

2. Deterministic Causation

۳. فیلسوفان مسلمان اصل ضرورت علی - معلولی را از لوازم انفکاک‌ناپذیر اصل علیت می‌دانند. ایشان معتقدند که با نفی ضرورت علی - معلولی، صدفه بر جهان حکم فرما می‌شود و دیگر نمی‌توان از اختیار انسان درباره کنش‌هایش سخن گفت. در واقع فلاسفه مسلمان از حامیان جدی صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت از معضل بخت به شمار می‌روند. (برای بررسی دقیق‌تر دیدگاه فیلسوفان مسلمان در این باب نک: مطهری، ۱۳۸۰، ج ۳)

فیشر در پاسخ به این تقریر از معضل بخت معتقد است که در جهانی نامتعیین نیز می‌توان تصمیم‌کنشگر را سرچشمه گرفته شده از حالات ذهنی پیشین‌کنشگر دانست. در این راستا، فیشر ادعای ترسیم جهانی را دارد که در آن، حالات ذهنی پیشین‌کنشگر به نحو ناتعیین گروانه، علت تصمیم‌کنشگر واقع می‌شوند. در ادامه به تحلیل راهکار وی پرداخته می‌شود.

۲-۳. راه کار فیشر در حل معضل بخت

طبق تقریر فیشر از معضل بخت، حامیان این معضل معتقدند که نامتعیین بودن یک کنش، شرط کافی پیوند کنش بیان شده با حالات ذهنی پیشین‌کنشگر است - قطع ارتباط علی میان حالات ذهنی پیشین‌کنشگر و کنش بیان شده - . فیشر برای خدشه کردن در کفایت این شرط و به طبع رد کردن معضل بخت مبتنی بر فقدان علیت، موظف به ارائه مثال نقضی است که کافی بودن ناتعیین گروی برای قطع پیوند میان کنش با حالات ذهنی‌کنشگر را زیر سؤال ببرد. مثال نقضی که در آن، با وجود نامتعیین بودن کنش A، کنشگر P آزادانه A را انجام داده و در قبال آن مسئول است.

فیشر با طرح یک آزمایش فکری، مثال نقض خود را ارائه می‌دهد. وی ابتدا از ما می‌خواهد که جهان متعیین ج ۱ را مدنظر قرار دهیم. اگر چیزی در ج ۱ باشد که سبب فقدان آزادی و مسئولیت اخلاقی کنش‌گران شود، آن چیز قطعاً عدم پیوند میان کنش و حالات ذهنی‌کنشگر (غیاب چسب مورد نیاز) نیست^۱ (Fischer, 2010). فرض کنید که امیر در ج ۱، از لحظه ز ۱ تا لحظه ز ۲ در باب اینکه چه تصمیمی بگیرد، تأمل می‌کند. در نهایت در ز ۲ تصمیم می‌گیرد که به همکلاسی‌اش کمک کند. از آنجا که ج ۱ متعیین است، باورها و امیال امیر در یک مسیر مستقیم و متصل، تصمیم وی را ایجاد کرده‌اند و بنابراین چسب مورد نیاز برای پیوند تصمیم کمک به همکلاسی به حالات

۱. زیرا «فقدان چسب مورد نیاز» - بنا بر ادعای حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت - ناشی از عدم تعین است؛ در حالی که ج ۱ جهانی متعیین است.





ذهنی پیشین امیر موجود است. در گام بعدی، فیشر از ما می‌خواهد که جهان ج ۲ را در نظر بگیریم. ج ۲ تنها در یک مورد با ج ۱ تفاوت دارد که چیزی نیست جز ماشین تصادفی^۱ (Fischer, 2010; Fischer, 2013a).

در ج ۲، برخلاف ج ۱، یک ماشین تصادفی وجود دارد. وضعیت ماشین تصادفی از دو حالت خارج نیست: ماشین تصادفی یا فعال است یا غیرفعال. اگر ماشین تصادفی فعال شود، مانعی ایجاد می‌کند که سلسله حالات ذهنی پیشین امیر تا لحظه ز ۲ منجر به تصمیم به کمک کردن به همکلاسی نشود - مثلاً از راه فرستادن امواج الکترومغناطیس به مغز امیر - . به عبارت دیگر، در صورتی که ماشین تصادفی به کار بیفتد، تصمیم امیر در ج ۲ قطعاً برخلاف تصمیم امیر در ج ۱ خواهد بود؛ اما اگر ماشین تصادفی غیرفعال (خاموش) بماند، هیچ تغییری در فرایندی علی که از سوی حالات ذهنی پیشین امیر نسبت به تصمیم به کمک‌گیری در جریان است، رخ نمی‌دهد. به دیگر سخن، اگر دستگاه خاموش بماند، تصمیم امیر در ج ۲ قطعاً همان تصمیم امیر در ج ۱ خواهد بود (Fischer, 2013a).

نکته مهم اینجاست که احتمال هریک از این دو حالت، پنجاه درصد است. فیشر تأکید می‌کند این احتمال ریشه در واقعیت مستقل از فاعل شناسا دارد تا مخاطب گمان نکند این احتمال ریشه در قوای شناختی و معرفتی وی دارد و این فاعل شناساست که نمی‌تواند از قبل تشخیص دهد که دستگاه فعال می‌شود یا غیرفعال باقی می‌ماند؛ بنابراین احتمال در مثال فیشر، احتمال عینی^۲ است، نه احتمال ذهنی (Fischer, 2010). این احتمال عینی به معنای نامتعیین بودن ج ۲ است.

در مرحله بعد، فیشر فرض می‌کند که ماشین تصادفی در ج ۲ خاموش مانده است. این بدین معنی است که سلسله حالات ذهنی پیشین امیر دقیقاً همانند ج ۱ عمل کرده‌اند و به تصمیم کمک به همکلاسی منجر شده‌اند. حال پرسش فیشر این است که آیا چسب

1. Random Machine

2. Objective Probability

مورد نیاز در ج ۲ حاضر است یا خیر؟ پاسخ وی به این پرسش مثبت است (Fischer, 2010; Fischer, 2013a). جریان علی سلسله حالات ذهنی پیشین امیر در ج ۱ نسبت به تصمیم در کمک‌رسانی دقیقاً این همان با جریان علی سلسله حالات ذهنی پیشین امیر در ج ۱ نسبت به همان تصمیم است؛ بنابراین همان‌طور که چسب مورد نیاز در ج ۱ حاضر است، در ج ۲ نیز حاضر است.

بنابراین به باور فیشر، ج ۲ی که در آن ماشین تصادفی خاموش می‌ماند، همان مثالی نقض مطلوب است؛ زیرا از یک سو ج ۲ یک جهان نامتعین است - زیرا هریک از دو حالت ماشین تصادفی محتمل‌اند - و از سوی دیگر، پیوند میان تصمیم امیر با حالات ذهنی پیشین وی نیز برقرار است (Fischer, 2010; Fischer, 2013a).

۲-۴. نقد راهکار فیشر در پاسخ به معضل بخت

به نظر می‌رسد که پاسخ فیشر کفایت لازم را در حل صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت ندارد. موفقیت فیشر در ارائه مثال نقض بسته به این است که الف) حالات ذهنی پیشین کنشگر علت تصمیم کنشگر واقع شوند. ب) علیت حالات ذهنی پیشین کنشگر نسبت به تصمیم بیان‌شده، به نحو ناتعین گروانه باشد. ماشین تصادفی فیشر عهده‌دار برآورده کردن این دو شرط است. فیشر مدعی است که ج ۲، جهانی است که در آن تصمیم کنشگر از حالات ذهنی پیشین کنشگر سرچشمه می‌گیرد و در نتیجه شرط الف برقرار است. همچنین از آنجا که در علیت تعین گروانه، احتمال تحقق معلول در حضور علت تامه صد درصد است؛ ماشین تصادفی فیشر با تقلیل این احتمال به پنجاه درصد سبب می‌شود که علیت بیان‌شده از سنخ علیت ناتعین گروانه باشد و این همان برقراری شرط ب است.

اما نکته اینجاست که چرا حامی صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت باید ج ۲ فیشر را یک جهان ممکن بداند؟ حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت معتقدند دلایل خوبی دارند که نشان می‌دهد علیت مستلزم ضرورت است. اگر استدلال ایشان صحیح باشد، امکان علیت ناتعین گروانه بسته می‌شود. شاید فیشر بخواهد در مقام دفاع از





نظر

سال بیست و هشتم، شماره چهارم (پیاپی ۱۱۲)، زمستان ۱۴۰۲

قاعده «تصورپذیری مستلزم امکان است»^۱ استفاده کند؛ به این صورت که صرف تصور ج ۲ دال بر امکان متافیزیکی آن است؛ اما طرفداران قاعده بیان شده میان دو نوع تصورپذیری تفاوت می‌گذارند: «تصورپذیری در بادی نظر»^۲ و «تصورپذیری ایدئال»^۳ (Chalmers, 2002a; Chalmers, 2002b).

اگر وضعیتی را تصور کنیم که نتوان در نگاه اولیه،^۴ استدلال پیشین در رد آن اقامه کرد، آنگاه این وضعیت در بادی نظر تصورپذیر است. اگر وضعیتی را تصور کنیم که نتوان بر اساس تأملات عقلانی ایدئال،^۵ استدلال پیشین در رد آن اقامه کرد، آنگاه وضعیت بیان شده به نحو ایدئال تصورپذیر است (Chalmers, 2002b). در پرتو این تقسیم‌بندی، مواردی هستند که در بادی نظر تصورپذیرند، اما به نحو ایدئال تصورپذیر نیستند و نکته اینجاست که استلزام میان تصورپذیری و امکان متافیزیکی تنها در تصورپذیرهای ایدئال برقرار است. فرض کنید که بخواهیم این قاعده را درباره مجموع زوایای داخلی مثلث پیاده کنیم. اگر کسی استدلال کند از آنجا که ۱۷۰ درجه بودن مجموع زوایای داخلی مثلث تصورپذیر است، پس ۱۷۰ درجه بودن مجموع زوایای داخلی مثلث ممکن است، باید به وی گفت که اگرچه ۱۷۰ درجه بودن مجموع زوایای داخلی مثلث تنها در بادی نظر تصورپذیر است؛ اما تصورپذیر ایدئال نیست؛ زیرا ما استدلال قیاسی^۶ صحیحی در نفی آن داریم.

حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت، در واکنش به تصورپذیری ج ۲ فیشر خواهند گفت که با وجود استدلال قیاسی به سود تلازم اصل علیت و تعین‌گرایی علی، مثال فیشر به نحو ایدئال تصورپذیر نیست؛ بنابراین حامیان صورت‌بندی بیان شده ج ۲ را

1. Conceivability Entails Possibility.
2. Prima Facie Conceivability
3. Ideal Conceivability
4. Prima Facie
5. Ideal Rational Reflection
6. Deductive Argument

یک جهان ناممکن^۱ می‌دانند و نه جهانی ممکن. وظیفه منتقد صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت این است که نشان دهد اصل علیت مستلزم تعیین گروهی علی نیست و این جز با جرح و نقد دلایل مثبت تلازم میان علیت و تعیین گروهی علی ممکن نیست.^۲ این در حالی است که فیشر تنها به تصور یک مثال از علیت ناتعین گروانه بسنده کرده است و هیچ تلاشی برای نشان دادن تصورپذیری ایدئال آن - که همان نقد دلایل تلازم علیت و تعیین گروهی علی است - نمی‌کند.

۳. علیت ناتعین گروانه و ماشین تصادفی

۳-۱. مداخله‌گرهای خلاف واقع^۳ و مثال‌های نقض فرانکفورتی

پس از آشکار شدن ناکارآمدی راهکار فیشر در حل معضل بخت باید به نقش ماشین تصادفی وی و ارتباط آن با مثال‌های نقض فرانکفورتی اشاره کرد. فیشر معتقد است از آنجا که استدلال پیامد و معضل بخت ساختار واحدی دارند، پس راه‌حل آنها نیز باید از یک عنصر مشترک بهره‌گیرد (Fischer, 2010). این عنصر کلیدی عبارت است از «مداخله‌گرهای خلاف واقع». هری فرانکفورت^۴ در مقاله جریان‌ساز «امکان‌های بدیل و مسئولیت اخلاقی» (Frankfurt, 1969) مدعی شد که صرف وجود یک مداخله‌گر، مادامی که نقشی در سلسله علی میان حالات ذهنی کنشگر و تصمیم وی نداشته باشد، ارتباطی به مسئولیت اخلاقی کنشگر ندارد. مثال‌های نقض فرانکفورتی آزمایش‌هایی فکری هستند که در آنها مداخله‌گری وجود دارد که غیرفعال است و تأثیری در فرایند علی میان حالات ذهنی کنشگر و تصمیم وی نمی‌گذارد. اگرچه مقصود فرانکفورت از این مثال‌ها، نفی شرط امکان‌های بدیل و در نتیجه رد استدلال پیامد است، فیشر از آنها

1. Impossible World

۲. برای مثال الیزابت آنسکوم در اثر معروف علیت و تعیین به نقد این دلایل می‌پردازد. آنسکوم استدلال می‌کند هیچ دلیل خوبی در دست نیست که نشان دهد علیت و ضرورت ملازم یکدیگرند (Anscombe, 1971. pp. 1-30).

3. Counterfactual Interveners

4. Harry Frankfurt





در جهت رد معضل بخت هم بهره می‌برد. ماشین تصادفی فیشر که در ج ۲ تعبیه شده است، مداخله‌گری است که خاموش باقی می‌ماند و خللی در سرچشمه گرفتن تصمیم‌کنشگر از حالات ذهنی پیشین وی به وجود نمی‌آورد.

فیشر بر این باور است که عدم دخالت علی ماشین تصادفی در فرایند علی میان حالات ذهنی کنشگر و تصمیم گرفته‌شده، ما را به این مطلب می‌رساند که صرف وجود ماشین تصادفی ارتباطی به مسئولیت اخلاقی کنشگر ندارد (Fischer, 2010; Fischer, 2013a). ماشین تصادفی از یک سو سبب نامتعیین شدن ج ۲ می‌شود و از سوی دیگر، برای نداشتن نقش علی، ارتباطی به مسئولیت اخلاقی کنشگر پیدا نمی‌کند که بخواهد از مسئولیت اخلاقی بکاهد. با وجود اینکه در بخش ۴-۲ ضعف راهکار فیشر نشان داده شد، در ادامه به بررسی و نقد تلقی فیشر از ناتعیین‌گرویی مورد نیاز اختیارگروان خواهیم پرداخت.

۳-۲. اختیارگرویی علیت مبتنی بر رویداد^۱ و علیت ناتعیین‌گروانه

اختیارگرویی خود به سه شاخه اختیارگرویی غیرعلی^۲، اختیارگرویی علیت مبتنی بر رویداد، و اختیارگرویی علیت مبتنی بر کنش گر^۳ دسته‌بندی می‌شود (Clarke, 2003, pp. 17-27). حامیان اختیارگرویی علیت مبتنی بر رویداد، تصمیم‌کنشگر را معلول رویدادهای مرتبط با کنش گر، از جمله حالات ذهنی وی می‌دانند و از این جهت، با بسیاری از نظریات سازگارگروانه مشترک‌اند. آنچه سبب تمایز اختیارگرویی علیت مبتنی بر رویداد از نظریات سازگارگروانه علیت مبتنی بر رویداد می‌شود، ضروری دانستن ناتعیین‌گرویی است (Clarke, 2003, p. 29). اختیارگرویی علیت مبتنی بر رویداد، علیت حالات ذهنی کنشگر نسبت به تصمیم وی را ناتعیین‌گروانه می‌داند و نه تعین‌گروانه.

در جهان‌های ترسیم‌شده توسط فیشر، حالات ذهنی کنش گرند که تصمیم‌کنشگر

1. Event-Causal Libertarianism

2. Noncausal Libertarianism

3. Agent-Causal Libertarianism

را ایجاد می‌کند و این بدین معناست که فیشر نظریه علیت مبتنی بر رویداد را پیش فرض گرفته است. از سوی دیگر، فیشر مدعی است که ج ۲ جهانی نامتعیین است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ج ۲ فیشر باید جهانی باشد که مورد تأیید اختیار گروان علیت مبتنی بر رویداد است.

۳-۳. مدعای اختیارگروی علیت مبتنی بر رویداد و نقش ماشین تصادفی فیشر

به نظر می‌رسد هنگامی که اختیار گروان از ناتعیین گروی جهان سخن می‌گویند، معنای نسبی آن را لحاظ کرده‌اند؛ یعنی ناتعیین گروی در برخی از سلسله‌های علی این جهان - نه در همه آنها - و همچنین منظور آنها ناتعیین گروی در علیت همه اعضای سلسله نیست؛ بلکه وجود دست کم یک علیت ناتعیین گروانه در برخی از سلسله‌های علی خاص است. به دیگر سخن، اختیار گروان معتقدند در سلسله علی پیدایش برخی از گنش‌های انسانی، دست کم یک علیت ناتعیین گروانه وجود دارد.

بنابراین بر اساس مدعای اختیار گروان، در سلسله علی پیدایش یک گنش، دست کم یکی از علل به نحو ناتعیین گروانه علیت خود را اعمال می‌کند؛ برای مثال فرض کنیم گنش A دارای چنین سلسله‌ای است: رویداد F رویداد E را پدید می‌آورد. E رویداد D را پدید می‌آورد. D رویداد C و C رویداد B را پدید می‌آورد و در نهایت B گنش A را پدید می‌آورد. بنا بر نظر اختیار گروان حامی علیت مبتنی بر رویداد، دست کم یکی از علیت‌های بیان شده در این زنجیره علی به صورت ناتعیین گروانه است؛ بنابراین گنش A نامتعیین است اگر و تنها اگر دست کم یا علیت F برای E، یا E برای D، یا D برای C، یا C برای B یا B برای A به نحو ناتعیین گروانه پدید آمده باشد.

بنابراین برای ترسیم ناتعیین گروی، دست کم نیاز به یک عضو در سلسله علی هستیم که اولاً، نسبت به معلول پس از خود دارای شأن علی و اثرگذار باشد و دوماً، علیت خود را به نحو ناتعیین گروانه اعمال کند؛ برای مثال در سلسله بیان شده فرض کنیم علیت D برای پیدایش C به نحو ناتعیین گروانه است. این بدین معناست که امری معین و خاص به نام D، C را به نحو ناتعیین گروانه پدید می‌آورد؛ یعنی گاهی با وجود D، C پدید





می آید و گاهی پدید نمی آید. در صورتی که D، C را پدید آورد، زنجیره تا A ادامه پیدا می کند و در صورتی که C را پدید نیاورد، این سلسله در همین جا تغییر می کند و به نحو دیگری ادامه می یابد.

با این توضیح می توان به تحلیل و نقد مثالِ فیشر پرداخت. ماشینِ فیشر در جهان یک نوع ناتعین گروی ایجاد می کند. این ناتعین گروی ایجاد شده در ارتباط با روشن یا خاموش شدنِ ماشینِ تصادفی معنا پیدا می کند. در واقع در جهانی که فیشر ترسیم می کند، سلسله علی روشن شدنِ ماشین به نحوِ ناتعین گروانه عمل می کند. امیر دارای دو دسته از دلایل است. دلایلِ بیانگر ارادهٔ کمک به همکلاسی (A) و دلایلِ بیانگر رفتن به سینما (B) است. اگر ماشین خاموش بماند، دلایلِ بیانگر A ارادهٔ کمک به همکلاسی را در امیر به وجود می آورند (ج ۲)؛ اما اگر ماشین روشن شود، این ماشین علیتِ دلایلِ بیانگر A را خنثی می کند - و با ایجادِ سلسله رویدادهایی در مغز امیر - ارادهٔ رفتن به سینما را در وی پدید می آورد (ج ۳). خاموش یا روشن ماندنِ ماشین به شکلِ ناتعین گروانه تعیین می شود؛ برای مثال فرض کنیم C در مثالِ بالا، «روشن شدنِ ماشین» باشد. بر این اساس، با پیدایشِ D (مجموعه رویدادهای جهان پیش از خاموش ماندن یا روشن شدنِ ماشین) گاهی C پدید می آید و گاهی پدید نمی آید؛ بنابراین دو جهان داریم که به لحاظِ پیشینهٔ تاریخی تا پیش از C (روشن شدنِ ماشین) با یکدیگر این همان هستند؛ اما بر اساسِ مثالِ فیشر، در ج ۲، C پدید نمی آید و در ج ۳، C پدید می آید. بر این اساس، ما دو زنجیرهٔ علی دیگر داریم که با توجه به خاموش یا روشن ماندنِ دستگاه، نقش علی خود را در پیدایشِ گُنش های متناسب با خود ایفا می کنند.

روشن است که خاموش ماندنِ دستگاه در ج ۲، از سنخ علیتِ تحلیلی و نه واقعی است. به دیگر سخن، خاموش ماندن در ج ۲، نقش علی ایفا نمی کند؛ بلکه دستگاه در این حالت صرفاً از علیتِ دلایلِ بیانگر A جلوگیری نمی کند. در واقع C (خاموش ماندنِ ماشین) را در جهانِ واقعی (ج ۲) نمی توان علتِ پیدایشِ A دانست، و آنچه A را پدید می آورد، دلایلِ بیانگر A هستند. خاموش ماندن را می توان از سنخ علت های معده در پیدایشِ A دانست و دستگاه با خاموش ماندن، دخالتی در فرایندِ علی متداول نمی کند؛

اما روشن شدن دستگاه در ج ۳، نسبت به تصمیم برای رفتن به سینما علیت دارد. در واقع C در ج ۳، نقش علی مستقیم دارد.

۳-۴. عدم ارتباط مداخله گر خلاف واقع به معضل بخت

به نظر می‌رسد فیشر یک امر را نادیده گرفته است و آن جمع میان «علیت ناتعین گروانه فعال» و «مسئولیت اخلاقی» است. آنچه برای اختیارگروان اهمیت دارد، جمع میان علیت ناتعین گروانه فعال و مسئولیت پذیری است، نه جمع میان عدم علیت ناتعین گروانه و مسئولیت پذیری. در واقع ماشین تصادفی در ج ۲ فیشر، فاقد تأثیر علی است و این دقیقاً همان چیزی است که مدنظر اختیارگروان است. سلسله علی که پیش از خاموش یا روشن شدن ماشین، به نحو ناتعین گروانه ماشین را خاموش نگه می‌دارند، از سلسله علی گنشی A حذف می‌شوند؛ بنابراین در ج ۲ اساساً در سلسله علی A، علیت ناتعین گروانه‌ای وجود ندارد تا ما A را گنشی نامتعیین فرض کنیم.

مشکل مثال فیشر این است که وی فرض کرده است، اگر ناتعین گروی را در هر جایی از جهان و در هر سلسله‌ای اضافه کنیم و کنار آن بتوانیم از مسئولیت اخلاقی دفاع کنیم، معضل بخت برطرف می‌شود؛ در حالی که با توضیحات بالا روشن شد که برای رویارویی با معضل بخت، ناتعین گروی را باید در سلسله علی یک گنشی لحاظ کنیم و این امری است که در ج ۲ غایب است. هیچ یک از علل پیدایش A در ج ۲ به نحو ناتعین گروانه پدید نیامده‌اند. عدم روشن شدن دستگاه، علت پیدایش A نیست؛ زیرا عدم فعالیت از سنخ عدم است و عدم نمی‌تواند علت ایجاد باشد؛ بنابراین قرار دادن C (خاموش ماندن ماشین) در سلسله علی A صرفاً در مقام تحلیل ذهنی است؛ از این رو در ج ۲ سلسله علی منتهی به خاموش ماندن ماشین اساساً نقشی علی در فرایند پیدایش تصمیم به کمک کردن بازی نمی‌کنند.

فیشر معتقد است که صرف وجود یک مداخله گر خلاف واقع، ارتباطی به مسئولیت اخلاقی کنشگر پیدا نمی‌کند؛ اما نکته اینجاست که صرف وجود یک مداخله گر - که مانند ج ۲ هیچ نقشی علی در فرایند ایجاد تصمیم ندارد - اساساً ما را با معضل بخت





مواجه نمی‌کند که نوبت به حل آن برسد. اگر فیشر بخواهد با افزودن مداخله‌گر خلاف واقع، به پیشواز معضل بخت برود باید برای این مداخله‌گر نقشی علی قائل شود - مانند ج ۳ -؛ اما هم فیشر و هم حامیان معضل بخت متفق‌اند که امیر در ج ۳، فاقد آزادی و مسئولیت اخلاقی است. معضل بخت زمانی پدید می‌آید که رویدادی - مطابق با اختیار گرویی علیت مبتنی بر رویداد - نقشی علی فعال در پدید آمدن تصمیم کنشگر داشته باشد و این علیت به نحو ناتعین‌گروانه اعمال شود؛ درحالی‌که ماشین تصادفی فیشر در ج ۲ فاقد نقش علی است.

نتیجه‌گیری

جان مارتین فیشر در حل معضل بخت از وجود صرف مداخله‌گرهای خلاف واقع بهره می‌برد. ماشین تصادفی وی مداخله‌گر خلاف واقعی است که احتمال عینی هر یک از دو حالت خاموش ماندن یا روشن شدن آن معادل پنجاه درصد است. فیشر معتقد است که اگر ماشین تصادفی در ج ۲، خاموش بماند، هم سبب نامتعین شدن تصمیم کنشگر می‌شود و هم مسئولیت اخلاقی کنشگر محفوظ می‌ماند. در این پژوهش روشن شد که تقریر فیشر از معضل بخت، نسخه‌ای از صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت است و دیگر صورت‌بندی‌ها را شامل نمی‌شود. راهکار فیشر در حل تقریر بیان‌شده، ناکارآمد است؛ زیرا وی تنها به تصور در باب ج ۲ بسنده کرده است و برای رد استدلال‌های حامیان صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت مبنی بر تلازم علیت و ضرورت تلاشی نمی‌کند.

صرف نظر از کفایت یا عدم کفایت پاسخ فیشر به صورت‌بندی مبتنی بر فقدان علیت، عدم نقش علی ماشین تصادفی فیشر در ج ۲ بدین معناست که اساساً وی با معضل بخت مواجه نشده است که نوبت به حل آن برسد. علیت ناتعین‌گروانه‌ای که اختیارگروان آن را در فرایند تولید کنش مؤثر می‌دانند، در ج ۲ فیشر غایب است. ماشین تصادفی با خاموش ماندن در ج ۲، هیچ تأثیری علی در فرایند ایجاد تصمیم کنشگر ایجاد نمی‌کند. از آنجا که ماشین تصادفی نقشی در پدید آمدن تصمیم کنشگر

ایفا نمی‌کند، عللی که سبب شده‌اند ماشین تصادفی به نحو ناتعین گروانه خاموش بداند، سبب نامتعیین شدن تصمیم کنشگر در ج ۲ نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که فیشر اساساً با معضل بختی که اختیار گروان با آن دست به گریبان‌اند، روبه‌رو نشده است.

۱۰۷



تجزیه و تحلیل

بررسی انتقادی راهکار جان مارتین فیشر در حل معضل بخت

فهرست منابع

- حییبی، سلیمان؛ جوادی، محسن. (۱۳۹۴). تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه جان مارتین فیشر. پژوهش‌های اخلاقی، ۵(۱۹)، صص ۳۵-۵۴.
- خزاعی، زهرا؛ تمدن، فاطمه. (۱۳۹۳). دیدگاه جان مارتین فیشر درباره اختیار لازم در مسئولیت اخلاقی. حکمت و فلسفه، ۱۰(۳۹)، صص ۱۳۱-۱۵۱.
- کوهی، توکل؛ دانش، جواد. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه جان مارتین فیشر در باب نسبت علم پیشین الهی و مسئولیت اخلاقی انسان. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۲۲(۸۳)، صص ۱۴۷-۱۶۴.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج ۳). تهران: انتشارات صدرا.
- Anscombe, Elizabeth. (1971). *Causality and Determination*. New York: Cambridge University Press.
- Chalmers, David. (2002a). Does Conceivability Entail Possibility. In *Conceivability and Possibility* (Tamar Szabo Gendler & John Hawthorne, Eds., pp. 145-200). New York: Oxford University Press.
- Chalmers, David. (2002b). Philosophical Perspectives. *On Sense and Intension*, 16, pp. 135-182.
- Clarke, Randolph. (2003). *Libertarian Accounts of Free Will*. London: Oxford University Press.
- Ekstrom, Laura Waddell. (2000). *Free Will: A Philosophical Study*. Boulder: Westview Press.
- Fischer, John Martin. (2006). *My Ways: Essays on Moral Responsibility*. New York: Oxford University Press.
- Fischer, John Martin. (2010). Indeterminism and Control: An Approach to the Problem of Luck. In *Law and Neuroscience* (Michael Freeman, Ed., pp. 85-108). New York: Oxford University Press.

- Fischer, John Martin. (2012). Semicompatibilism and Its Rivals. *The Journal of Ethics*, 16, pp. 117-143.
- Fischer, John Martin. (2013a). Toward a Solution to the Luck Problem. In *Libertarian Free Will: Contemporary Debates* (David Palmer, Ed., pp. 52-68). New York: Oxford University Press.
- Fischer, John Martin. (2013b). The Deterministic Horn of the Dilemma Defense: A Reply to Widerker and Goetz. *Analysis*, 73, pp. 489-496.
- Fischer, John Martin & Pendergraft, Garrett. (2013c). Does the Consequence Argument Beg the Question?. *Philosophical Studies*, 166, pp. 575-595.
- Fischer, John Martin & Ravizza, Mark. (1998). *Responsibility and Control: A Theory of Moral Responsibility*. New York: Cambridge University Press.
- Frankfurt, Harry. (1969). Alternate Possibilities and Moral Responsibility. *Journal of Philosophy*, 66, pp. 829-839.
- Franklin, Christopher Evan. (2018). *A Minimal Libertarianism: Free Will and the Promise of Reduction*. New York: Oxford University Press.
- Haji, Ishtiyaque. (2008). *Incompatibilism's Allure: Principal Arguments For Incompatibilism*. broadview press.
- Haji, Ishtiyaque. (2022). Libertarianism and Luck. *Journal of Philosophical Theological Research*, Vol 24, Issue 3, pp. 115-134.
- Kane, Robert. (1996). *The Significance of Free Will*. New York: Oxford University Press.
- Kane, Robert. (2009). Libertarianism. *Philosophical Studies: An International Journal for Philosophy in the Analytic Tradition*, 144(1), pp. 35-44.
- McKenna, Michael & Pereboom, Derk. (2016). *Free Will: A Contemporary Introduction*. New York: Routledge.
- Pink, Thomas. (2004). *Free Will: A Very Short Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Van Inwagen, Peter. (1983). *An Essay on Free Will*. Oxford: Clarendon Press.



- Vargas, Manuel. 2013. *Building Better Beings: A Theory of Moral Responsibility*. New York: Oxford University Press
- Strawson, Galen. (1994). The Impossibility of Moral Responsibility. *Philosophical Studies*, 75, pp. 5-24.
- Watson, Gary. 1999. "Soft Libertarianism and Hard Compatibilism". *Journal of Ethics*, 3: 351_365
- Widerker, David & Schnall, Ira M. (2015). On the Luck Objection to Libertarianism. In *Agency, Freedom and Moral Responsibility* New York: Palgrave-Macmillan (Andrei Buckareff, Carlos Moya & Sergi Rosell, Eds., pp. 94-115).



نظر
شماره

سال بیست و هشتم، شماره چهارم (پیاپی ۱۱۲)، زمستان ۱۴۰۲

References

- Anscombe, E. (1971). *Causality and Determination*. New York: Cambridge University Press.
- Chalmers, D. (2002a). Does Conceivability Entail Possibility. In T. Szabo Gendler & J. Hawthorne (Eds.), *Conceivability and Possibility* (pp. 145-200). New York: Oxford University Press.
- Chalmers, D. (2002b). On sense and intension. *Philosophical perspectives*, 16, 135-182.
- Clarke, R. (2003). *Libertarian Accounts of Free Will*. London: Oxford University Press.
- Ekstrom, L. W. (2000). *Free Will: A Philosophical Study*. Boulder: Westview Press.
- Fischer, J. M. & Pendergraft, G. (2013c). Does the Consequence Argument Beg the Question?. *Philosophical Studies*, 166, 575-595.
- Fischer, J. M. & Ravizza, M. (1998). *Responsibility and Control: A Theory of Moral Responsibility*. New York: Cambridge University Press.
- Fischer, J. M. (2010). Indeterminism and Control: An Approach to the Problem of Luck. In *Law and Neuroscience* (M. Freeman, Ed., pp. 85-108). New York: Oxford University Press.
- Fischer, J. M. (2012). Semicompatibilism and Its Rivals. *The Journal of Ethics*, 16, 117-143.
- Fischer, J. M. (2013a). Toward a Solution to the Luck Problem. In D. Palmer (Ed.), *Libertarian Free Will: Contemporary Debates* (pp. 52-68). New York: Oxford University Press.
- Fischer, J. M. (2013b). The Deterministic Horn of the Dilemma Defense: A Reply to Widerker and Goetz. *Analysis*, 73, 489-496.
- Fischer, J. M. (2006). *My Ways: Essays on Moral Responsibility*. New York: Oxford University Press.



- Frankfurt, H. (1969). Alternate Possibilities and Moral Responsibility. *Journal of Philosophy*, 66, 829-839.
- Franklin, C. E. (2018). *A Minimal Libertarianism: Free Will and the Promise of Reduction*. New York: Oxford University Press.
- Habibi, S. & Javadi, M. (1394 AP). A philosophical account of moral responsibility from John Martin Fischer's perspective. *Pazhūhish-hāyi akhlāqī*, 5(19), 35-54. [In Persian]
- Haji, I. (2008). *Incompatibilism's Allure: Principal Arguments for Incompatibilism*. Peterborough, Ontario: Broadview Press.
- Haji, I. (2022). Libertarianism and Luck. *Journal of Philosophical Theological Research*, 24(3), 115-134.
- Kane, R. (1996). *The Significance of Free Will*. New York: Oxford University Press.
- Kane, R. (2009). Libertarianism. *Philosophical Studies: An International Journal for Philosophy in the Analytic Tradition*, 144(1), 35-44.
- Khazaei, Z. & Tamadon, F. (1393 AP). John Martin Fischer's view of the necessary free will for moral responsibility. *Hikmat va falsafih*, 10(39), 131-151. [In Persian]
- Koohi, T. & Danesh, J. (1399 AP). An examination of John Martin Fisher's view of the relationship between divine foreknowledge and human moral responsibility. *Pazhūhish-hāyi falsafi-kalāmī*, 22(83), 147-164. [In Persian]
- McKenna, M. & Pereboom, D. (2016). *Free Will: A Contemporary Introduction*. New York: Routledge.
- Motahari, M. (1380 AP). *Principles of philosophy and the method of realism* (vol. 3). Tehran: Sadra Publications.
- Pink, T. (2004). *Free Will: A Very Short Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Strawson, G. (1994). The Impossibility of Moral Responsibility. *Philosophical Studies*, 75, 5-24.



نظر
صدر

سال بیست و هشتم، شماره چهارم (پیاپی ۱۱۲)، زمستان ۱۴۰۲

- Van Inwagen, P. (1983). *An Essay on Free Will*. Oxford: Clarendon Press.
- Vargas, M. 2013. *Building Better Beings: A Theory of Moral Responsibility*. New York: Oxford University Press.
- Watson, G. 1999. "Soft Libertarianism and Hard Compatibilism". *Journal of Ethics*, 3, 351-365.
- Widerker, D. & Schnall, I. M. (2015). On the Luck Objection to Libertarianism. In A. Buckareff, C Moya & S. Rosell (Eds.), *Agency, Freedom and Moral Responsibility* (pp. 94-115). New York: Palgrave-Macmillan.

